سرمقاله

خاموشی صنعت چالش رفاه پایدار

سیدمحمدمهدی عمادی
دکتری مدیریت تحقیق در عملیات

در ایران امروز، خاموشی‌ها دیگر خبر نیستند؛ بخشی از واقعیت زندگی‌اند. اگرچه برای مصرف‌کنندگان خانگی، زمان قطعی برق تا حدی از پیش مشخص است و حتی برنامه‌های کاربردی طراحی شده‌اند که ساعت خاموشی مناطق مختلف را اطلاع می‌دهند؛ اما آنچه همچنان در هاله‌ای از ابهام و بی‌برنامگی باقی مانده، خاموشی‌هایی است که به جان صنعت افتاده است؛ خاموشی‌هایی که به‌جای مصرف‌کننده نهایی، تولیدکننده اولیه را هدف گرفته‌اند. نه‌فقط کارخانه‌ها که کشاورزان، معادن، کارگاه‌ها و حتی برخی مراکز تصمیم‌سازی کشور، زیر بار این خاموشی‌های بی‌زمان و بی‌برنامه، کمر خم کرده‌اند.

در بسیاری از کشورها، توزیع خاموشی‌ها برمبنای نظمی مشخص و هدفمند انجام می‌گیرد: فشار کمتر بر بخش مولد اقتصاد، حفظ حداقلی از رفاه اجتماعی و ایجاد سازکارهای جبرانی برای گروه‌هایی که دچار اختلال می‌شوند. در افریقای‌جنوبی، خاموشی‌ها مرحله‌بندی شده و بسته به‌شدت بحران، از محله‌های مسکونی آغاز می‌شود. در اکوادور، دولت در تعطیلات کریسمس، برق صنایع را محدود کرد تا خانواده‌ها در آرامش باشند؛ اما با برنامه، با اطلاع‌رسانی و با جبران. منطق حاکم بر این تصمیم‌ها ساده است؛ قطع برق، اگر بدون حکمرانی موثر باشد، خودش منبع بحران می‌شود؛ نه راه‌حل آن. ایران در شرایطی متفاوت و پیچیده قرار دارد؛ اقتصادی که تحت‌فشار تحریم‌های بین‌المللی سال‌هاست با محدودیت‌های جدی در جذب سرمایه، دسترسی به فناوری و تامین مالی پروژه‌های زیرساختی مواجه است. نتیجه این وضعیت، کند شدن توسعه در حوزه تولید انرژی و فرسودگی تدریجی ظرفیت‌های موجود است. در چنین شرایطی، کشور بیش از هر زمان دیگری به تولید پایدار، اشتغال مولد و رشد درون‌زا نیاز دارد. بااین‌حال، در اولویت‌بندی خاموشی‌ها، به‌نظر می‌رسد بخش‌های صنعت و کشاورزی که ستون‌فقرات همین رشد اقتصادی محسوب می‌شوند، نخستین گزینه‌هایی هستند که بار قطع برق را تحمل می‌کنند. این در حالی است که بخش خانگی، باوجود مصرفی در حدود یک‌سوم برق کشور، همچنان کمترین سهم از خاموشی را تجربه می‌کند. توجه به رفاه عمومی ضروری است؛ اما تداوم این الگوی خاموشی می‌تواند در درازمدت توازن میان مصرف و تولید را به زیان اقتصاد کشور بر هم بزند. مبنای این اولویت‌بندی، احتمالا تلاش برای حفظ رفاه عمومی و جلوگیری از نارضایتی‌های روزمره است. اما این رویکرد اگرچه در کوتاه‌مدت به آرامش نسبی می‌انجامد، در میان‌مدت و بلندمدت، آثار جدی و گاه برگشت‌ناپذیری برجای می‌گذارد. صنعتی که نتواند تولید کند، نمی‌تواند اشتغال ایجاد کند، مالیات بپردازد، مواد اولیه تولید کند و صادرات انجام دهد. در اقتصادی مانند ایران که به‌شدت به ظرفیت‌های داخلی متکی است، هر ساعت خاموشی در صنعت، ممکن است به‌معنای کاهش رشد، افزایش بیکاری، کاهش درآمد دولت و فشار بیشتر بر خانوارها باشد. آیا آن‌گاه باز هم می‌توان گفت که با روشن ماندن خانه‌ها، رفاه حفظ شده است؟

واقعیت این است که سیاست‌های انرژی، بیش از آنکه فقط فنی باشند، به هماهنگی سیاسی و نهادی وابسته‌اند. نمونه روشن آن، ماجرای تفاهمنامه وزارت صمت و وزارت نیرو برای تامین برق صنایع در تابستان ۱۴۰۴ است؛ تفاهمنامه‌ای که با هدف اعمال حداکثر ۲هزار و ۵۰۰ مگاوات محدودیت برق برای واحدهای تولیدی امضا شد، اما در عمل، با کاهش مصرف صنایع نه‌تنها ۱۰ درصد دیماند، نقض شد،بلکه در نتیجه آن، فولادسازان و دیگر صنایع مادر در عمل متوقف شدند. وزیر صمت از خلف‌وعده وزارت نیرو گلایه کرد و موضوع را به هیات‌دولت کشاند. اما نکته قابل‌تامل این بود که رئیس‌جمهور، به‌جای ورود مستقیم، موضوع را به همان وزیر صمت ارجاع داد. این در حالی است که مسئله برق، موضوعی زیرساختی و چندبخشی است که نیازمند مشارکت وزارتخانه‌های نیرو، صمت، نفت، اقتصاد و حتی برنامه و بودجه است. به‌نظر می‌رسد هنوز نگاه کلان و فرابخشی در مدیریت این بحران وجود ندارد. مسئله فقط تامین برق نیست؛ مدیریت کلان است که زمانی کارآمد می‌شود که تقسیم وظایف روشن، پاسخگویی دقیق و تعامل نهادی موثر بین نهادهای مسئول وجود داشته باشد. از سوی دیگر، کاهش ساعات کاری ادارات دولتی که به‌عنوان راهکاری برای کاهش مصرف برق اجرا می‌شود، تصمیمی است که در نگاه کوتاه‌مدت منطقی به‌نظر می‌رسد؛ اما مسئله این است؛ در شرایطی که کشور با ناترازی انرژی مواجه است و صنایع با محدودیت‌های عملیاتی ناشی از قطع برق دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بیش از هر زمان دیگری به حضور فعال، تصمیم‌سازی سریع و هماهنگی بین‌دستگاهی نیاز است که بسیاری از این نهادهای تصمیم‌ساز دقیقا همین دستگاه‌های دولتی هستند که کاهش ساعت کار شامل آنها می‌شود و عملا روند تحلیل، برنامه‌ریزی و اجرا را کند می‌کند. اگر نهادهای تصمیم‌ساز در زمان اوج چالش نتوانند نقش‌آفرینی موثری داشته باشند، چگونه می‌توان انتظار داشت خروجی موثری برای مدیریت بحران شکل بگیرد؟

واقعیت این است که توسعه اقتصادی در کشورهایی مثل ایران، تنها با مصرف کمتر برق در خانه‌ها محقق نمی‌شود. خانه‌هایی که برق دارند، اما چرخه تولید پشت آنها متوقف است، نمی‌توانند برای همیشه رفاه بیاورند. آنچه باید روشن بماند، موتور صنعت کشور است؛ صنعتی که اگر با برنامه برق بگیرد؛ با قدرت، اشتغال ایجاد می‌کند، با صادرات ارزآوری می‌کند و در نهایت، با تولید پایدار، رفاه واقعی را به خانه‌ها می‌آورد. آسایش امروز، اگر به نرخ توقف فردا تمام شود، نه ماندگار است، نه عاقلانه. عقل حکم می‌کند به‌جای خاموش‌کردن صنعت برای خنک‌ماندن چند ساعت در روز، زیرساخت را تقویت کنیم، تصمیم‌سازی را جدی بگیریم و برنامه‌ریزی را به‌جای واکنش‌های مقطعی، در دستورکار سیاست‌گذاری قرار دهیم. روشنایی واقعی آن است که هم خانه‌ها را گرم نگه دارد، هم اقتصاد کشور را.

در نشست مدیران معدنی و صنایع‌معدنی با معاون اول رئیس‌جمهور مطرح شد

۳ مطالبه راهبردی صنایع‌معدنی از دولت

در جریان نشست مدیران شرکت‌های بزرگ معدنی و صنایع‌معدنی با معاون اول رئیس‌جمهور و وزیر صنعت، معدن و تجارت، رئیس هیات‌عامل ایمیدرو ۳ مطالبه اساسی این صنعت از دولت را مطرح کرد؛ مطالبه‌هایی که به‌گفته وی برای حفظ جایگاه معدن در اقتصاد ملی و تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه حیاتی است. به‌گزارش ایسنا محمد آقاجانلو، رئیس هیات‌عامل سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع‌معدنی ایران (ایمیدرو) در نشستی که با حضور محمدرضا عارف (معاون اول رئیس‌جمهور) و سیدمحمد اتابک (وزیر صنعت، معدن و تجارت) برگزار شد، ۳ مطالبه راهبردی شرکت‌های معدنی از دولت را برطرف شدن شوک هزینه‌های انرژی، هدایت سود شرکت‌های بزرگ به‌سمت توسعه و مشارکت صندوق توسعه ملی در پروژه انتقال آب از دریای عمان به مناطق مرکزی کشور برشمرد. وی ضمن اشاره به فاصله گرفتن ایمیدرو از نقش توسعه‌ای خود طی سال‌های اخیر، اظهار کرد: متاسفانه ایمیدرو به‌تدریج از فلسفه وجودی‌اش که برمبنای توسعه و سرمایه‌گذاری طراحی شده، فاصله گرفته و گرفتار بروکراسی سنگین اداری شده است، به‌طوری‌که برای اجرای هر پروژه توسعه‌ای، ناگزیر به عبور از پیچ‌وخم‌های متعدد اداری شبیه شرکت‌های دولتی است.

این معاون وزیر صمت با بیان اینکه صنایع‌معدنی ۲۰ درصد از ارزش‌افزوده صنعت و ۲۶ درصد از اشتغال صنعتی کشور را به خود اختصاص داده‌اند، تصریح کرد: ارزش بازار شرکت‌های معدنی به ۲هزار و ۴۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. با این حال، در سال گذشته به‌دلیل محدودیت‌های انرژی، میلیاردها دلار درآمد بالقوه از دست رفت؛ در حالی که می‌توانستیم تولید فولاد را به ۴۰ میلیون تن برسانیم.

رئیس هیات‌عامل ایمیدرو ضمن اشاره به رشد افسارگسیخته هزینه‌های انرژی گفت: طی ۴ سال گذشته، هزینه تمام‌شده تولید برای بنگاه‌های این بخش ۱۳برابر شده، اما نرخ فروش محصولات تنها ۵ برابر رشد داشته و این شکاف بزرگ، سود شرکت‌ها را از مسیر توسعه منحرف کرده است.

آقاجانلو ضمن انتقاد از رویه واگذاری سهام شرکت‌های ایمیدرو خاطرنشان کرد: از ۵۴ هزار میلیارد تومان واگذاری انجام‌شده بین سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱، ۷۷ درصد بابت رددیون و سهام‌عدالت بوده؛ در حالی‌که طبق قانون باید ۷۰درصد منابع حاصل به وزارت صمت بازگردد، اما تنها کمتر از ۱۰درصد بازگشت داشته‌ایم. ما خواهان برگشت این منابع برای اجرای پروژه‌های توسعه‌ای هستیم.

به‌گفته معاون وزیر صمت، ارزش تولیدات سالانه معدن و صنایع‌معدنی ۳۵ میلیارد دلار و صادرات آن در سال گذشته ۱۴میلیارد دلار بوده است؛ اما در صورت عدم‌محدودیت‌های انرژی و تثبیت نرخ ارز، این عدد می‌توانست به ۲۰ میلیارد دلار برسد. وی این اختلاف ۶ میلیارد دلاری را «درآمد ازدست‌رفته» برای اقتصاد ملی دانست.

وی ضمن اشاره به نیاز ۴۰ میلیارد دلاری این بخش برای سرمایه‌گذاری توسعه‌ای تاکید کرد: ۶۰ درصد این رقم می‌تواند از منابع خارجی تامین شود. با کمک وزارت صمت، راهکارهای جذب این سرمایه در حال پیگیری است.

رئیس هیات‌عامل ایمیدرو همچنین از وجود ذخایر معدنی با ارزش فعلی ۳۰ میلیارد دلار خبر داد و گفت: در صورت فرآوری و ایجاد ارزش‌افزوده، این رقم تا ۲۰ برابر قابل‌افزایش است، همچنین برنامه واگذاری ۲۴۰ پروانه اکتشافی به بخش خصوصی نیز مطرح است، اما اجرای این برنامه در گرو رفع مخالفت‌هایی است که از سوی سازمان محیط‌زیست، منابع‌طبیعی و نهادهای دیگر با مجوزهای اکتشاف اعمال می‌شود.

آقاجانلو در پایان با رد نگرانی‌ها درباره مصرف آب در صنایع‌معدنی اظهار کرد: سهم مصرف آب این بخش کمتر از نیم درصد کل کشور است. با این وجود، مشارکت صندوق توسعه ملی در پروژه انتقال آب از دریای عمان می‌تواند بخشی از دغدغه‌ها را برای تامین پایدار آب مرتفع کند.

هشدار فولادی‌ها درباره کاهش تولید و ارزبری

در ادامه این نشست بهرام سبحانی، رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ضمن هشدار نسبت به اینکه صنعت فولاد ایران باوجود دستیابی به ظرفیت ۵۵ میلیون تنی، به‌دلیل محدودیت‌های انرژی، سال گذشته نتوانست جایگاه جهانی خود را ارتقا دهد، اظهار کرد: در صورت ادامه این روند، ایران حتی جایگاه دهم تولید جهانی فولاد را هم از دست می‌دهد.

وی همچنین با انتقاد از سیاست‌های ارزی و دستور کاهش ۹۰ درصدی ظرفیت تولید به فولادی‌ها، افزود: این در حالی است که تمام ارز حاصل از صادرات فولاد به کشور بازگشته، اما صدور کارت بازرگانی برای افراد گمنام موجب بی‌نظمی در بازگشت ارز دیگر حوزه‌ها شده است.

وابستگی نگران کننده به واردات روغن و شکر

وزیر جهاد کشاورزی اظهار کرد: در شرایطی که واردات روغن و شکر با صرف ارز ترجیحی و فشار بر منابع کشور انجام می‌شود، مصرف این دو ماده حیاتی در ایران فراتر از استانداردهای جهانی است؛ مشکلی که نه‌تنها اقتصاد خانوار و امنیت غذایی را تهدید می‌کند، بلکه سلامت عمومی را نیز با رشد بیماری‌های قلبی و دیابت در معرض خطر جدی قرار داده است.

به‌گزارش ایسنا، غلامرضا نوری قزلجه در نخستین همایش ملی مدیران زن وزارت جهاد کشاورزی گفت: حدود ۹۰ درصد روغن و نزدیک به ۳۰ درصد شکر کشور، وارداتی است. واردات این کالاها نیاز به ارز دارد، آن هم ارزی که با دشواری و از طریق فروش نفت تامین می‌شود. با این حال، مصرف این اقلام در کشور حدود یک و نیم تا دوبرابر نرم جهانی و حتی استاندارد مصرفی تعیین‌شده خودمان است.

نوری قزلجه در ادامه سخنان خود، خطاب به زنان شاغل در سمت‌های مدیریتی وزارت جهاد کشاورزی هشدار داد: شما در حوزه‌ای کلاسیک از مدیریت اداری وارد شده‌اید که زیر ذره‌بین هستید. عملکردتان تعیین خواهد کرد که مسیر ارتقای زنان در سطوح مدیریتی هموار شود یا با مانع مواجه شود؛ بنابراین دقت، تلاش، استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها و نشان دادن شایستگی در عمل، ضرورتی انکارناپذیر است.

این مقام مسئول بااشاره به اهمیت بی‌بدیل غذا در زندگی انسان گفت: امنیت غذایی مهم‌ترین ماموریت ما در وزارت جهاد کشاورزی است؛ ماموریتی که حتی از بسیاری امور دیگر حیاتی‌تر است. امروز در غزه، دشمن از سلاح گرسنگی بهره می‌برد، چون می‌داند غذا، مسئله‌ای نیست که بتوان آن را تعطیل کرد. در چنین شرایطی، همه ما، به‌ویژه مدیران زن، وظیفه‌ای مضاعف داریم تا با جدیت بیشتری در مسیر تامین امنیت غذایی کشور تلاش کنیم.

وزیر جهاد کشاورزی با دعوت از زنان مدیر برای داشتن تفکر راهبردی، بر ضرورت خلاقیت و تحول در مدیریت تاکید کرد و گفت: اگر می‌خواهید مدیر موفقی باشید، باید حتی از کوچک‌ترین ایده‌ها برای نوآوری بهره بگیرید. کاهش مصرف یک برگ کاغذ یا صرفه‌جویی در انرژی، نشانه آغاز تفکر تحول‌آفرین است.

نوری قزلجه با تاکید بر ضرورت ارتباط با تشکل‌ها، افزود: چه در حوزه زنان و چه در حوزه‌های تخصصی، باید ارتباط نزدیک‌تری با تشکل‌ها برقرار شود. این تشکل‌ها می‌توانند بازوی اجرایی و فکری موثری برای مدیران باشند.

این مقام مسئول در ادامه بااشاره به میزان بالای هدررفت و ضایعات غذایی در کشور گفت: یکی از عرصه‌هایی که مدیران زن می‌توانند نقش موثری در آن ایفا کنند، اصلاح الگوی مصرف است. در انتهای زنجیره تولید که فرآورده غذایی باارزش شکل می‌گیرد، بیشترین هدررفت اتفاق می‌افتد. این دورریز نه‌تنها اسراف محسوب می‌شود، بلکه به زیان اقتصاد ملی و خانوار نیز هست.

وی تاکید کرد: مدیریت درست مصرف، به‌معنای جلوگیری از اسراف، کمک به اقتصاد ملی، ارتقای سلامت عمومی و کاهش هزینه‌های درمانی است. این مسئولیت ویژه‌ای است که زنان، به‌ویژه در جایگاه مدیریتی، می‌توانند به‌خوبی ایفا کنند.

زمان پر کردن خلأهای قانونی برای حمایت از زنان فرارسیده است

سخنگوی دولت نوشت: دولت با تمام توان و از مسیرهای ممکن، برای تدوین سازکارهای کارآمد حمایتی گام برمی‌دارد و آماده همکاری همه‌جانبه با مجلس محترم برای احیای رویکرد اصلی لایحه امنیت زنان است.

به‌گزارش مهر فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در یادداشتی نوشت: در روزهای اخیر، قتل دردناک و تاسف‌بار خانم الهه حسین‌نژاد افکار عمومی را به‌شدت جریحه‌دار کرد. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد این حادثه دلخراش در بستر یک سرقت سازمان‌نیافته و با شیوه‌ای خشن و غیرانسانی رخ داده است؛ رخدادی که نه‌تنها مایه تاسف عمیق، بلکه زنگ هشداری برای ضرورت بازنگری در نظام پیشگیری، نظارت و بازدارندگی اجتماعی ما است. این واقعه اگرچه از جنس خشونت خانگی نبود، اما در دل خود یادآور یک واقعیت مهم است: زنان، به‌ویژه در بسترهای ناآرام شهری، همچنان از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه هستند و نبود نظام حمایتگر موثر، زمینه‌ساز تکرار چنین فجایعی خواهد بود. همان‌قدر که خشونت در روابط خانوادگی نگران‌کننده است، ناامنی در فضای عمومی نیز، نیازمند توجه جدی، قانون‌مند و نظام‌مند است. از منظر دولت، مسئولیت ما در قبال این وقایع، تنها محدود به ابراز تاسف و همدردی نیست. آنچه امروز جامعه به‌درستی مطالبه می‌کند، اقدام موثر، قانون‌مدار و پایدار برای پیشگیری از خشونت و ناامنی علیه زنان است. تجربه‌های تلخ پیشین و فاجعه‌های تکرارشونده نشان داده‌اند که بدون زیرساخت قانونی قوی و حمایت اجرایی موثر، نمی‌توان به کاهش واقعی خشونت و ناامنی علیه زنان امید بست.

در همین راستا پس از آنکه لایحه «تامین امنیت زنان در برابر خشونت» در کمیسیون‌های مجلس دچار استحاله و دولت ناگزیر به استرداد آن شد، بلافاصله تدوین برنامه‌ای جامع و عملیاتی در حوزه اختیارات دولت را با هماهنگی معاون اول محترم رئیس‌جمهوری در دستور کار قرار دادیم. این برنامه برپایه ۴ محور اصلی طراحی شده: پیشگیری از خشونت، تقویت مداخلات حمایتی، آگاه‌سازی عمومی و ارتقای امنیت در محیط‌های شهری و اجتماعی.

در عین حال دولت همچنان بر ضرورت وجود یک قانون جامع، بازدارنده و به‌روز برای حمایت از زنان در برابر خشونت تاکید دارد. اجرای برنامه‌های حمایتی و پیشگیرانه موثر است، اما جایگزین قانون نخواهد شد. معتقدیم در کنار اقدامات اجرایی، وجود یک چارچوب قانونی روشن، الزام‌آور و منسجم که از کرامت، امنیت و آزادی‌های قانونی زنان حراست کند، ضرورتی انکارناپذیر است. در این مسیر همراهی و مشارکت مجلس شورای اسلامی، تعیین‌کننده خواهد بود. زمان آن است تا همه نهادهای تصمیم‌گیر، فارغ از نگاه‌های جناحی، این موضوع را به‌عنوان یک مسئله ملی و انسانی در اولویت قرار دهند. جان‌های از دست‌رفته، وجدان عمومی را متوجه خلأهایی کرد که قابل‌چشم‌پوشی نیستند.

دولت با تمام توان و از مسیرهای ممکن، برای تدوین سازکارهای کارآمد حمایتی گام برمی‌دارد و در عین حال، آماده همکاری همه‌جانبه با مجلس محترم برای احیای رویکرد اصلی لایحه امنیت زنان است؛ لایحه‌ای که باید همپای واقعیت‌های اجتماعی، در خدمت بازدارندگی، حمایت و آموزش باشد. امروز هر حادثه‌ای که با جان یک زن گره می‌خورد، نه صرفا یک اتفاق شخصی، بلکه آینه‌ای است از وضع عمومی امنیت و عدالت‌اجتماعی. امید است از دل این تلخی‌ها، گفت‌وگویی ملی و اراده‌ای مشترک برای ساختن جامعه‌ای امن‌تر و انسانی‌تر شکل گیرد.

عکس روز

تالاب، اسیر «شیطان بنفش»؛ آب‌هایی که در سکوت می‌میرند!

عکس: ایرنا

ویژه تر از خبر

رشد اقتصادی در فروردین ۱۴۰۴ به ۰.۹ درصد رسید

براساس یافته‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، رشد اقتصادی کشور در نخستین ماه امسال، معادل ۰.۹ درصد و بدون احتساب نفت ۰.۸ درصد برآورد شده است. مرکز پژوهش‌های مجلس با هدف ارائه تصویری به‌روز از تحولات بخش حقیقی اقتصاد، گزارشی از برآورد رشد ماهانه تولید ناخالص داخلی ایران در فروردین ۱۴۰۴ منتشر کرده است. این گزارش در حالی ارائه می‌شود که به‌دلیل تأخیر طولانی در انتشار آمار رسمی از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، تصمیم‌گیری‌های اقتصادی همواره با کمبود اطلاعات بهنگام مواجه بوده‌اند. براساس یافته‌های این گزارش، رشد اقتصادی کشور در نخستین ماه امسال، معادل ۰.۹ درصد و بدون احتساب نفت ۰.۸ درصد برآورد شده است. این برآورد بر پایه داده‌های ماهانه ملی و در چارچوب حساب‌های ملی با رویکرد رشد پیوسته تهیه شده است.

عملکرد بخشی اقتصاد ایران در فروردین ۱۴۰۴

کشاورزی: افت شدید در پی تداوم خشکسالی

برآوردها نشان می‌دهد ارزش‌افزوده بخش کشاورزی در فروردین ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷ درصد کاهش یافته است. این افت عمدتا ناشی از کاهش تولید محصولات زراعی، باغی و دامی است. طبق داده‌های وزارت جهاد کشاورزی، کاهش بارندگی در فروردین و ادامه خشکسالی، اثر منفی مستقیمی بر عملکرد این بخش داشته است. مرکز پژوهش‌ها سهم منفی این بخش را معادل ۰.۸۵ واحد درصد از رشد کل اقتصاد اعلام کرده است.

نفت و گاز: رشد ملایم، اما مثبت

براساس آمارهای ثانویه منتشرشده توسط اوپک و برآوردهای داخلی، تولید نفت ایران در فروردین رشد ۲ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال گذشته تجربه کرده، اگرچه این میزان رشد مثبت است، اما همچنان پایین‌تر از متوسط رشد فصلی در سال گذشته قرار دارد. سهم این بخش در رشد اقتصادی، منفی ۰.۱۳ واحد درصد بوده است.

صنایع و معادن: ادامه رکود تولید و فروش

برآوردها حاکی از آن است که گروه صنایع و معادن در فروردین رشد منفی ۲.۲ درصدی داشته است. شاخص تولید شرکت‌های بورسی در بخش صنعت و همچنین شاخص فروش نهاده‌های ساختمانی کاهش یافته‌اند که بیانگر رکود عمیق در این حوزه هستند. سهم صنایع و معادن از رشد اقتصادی کل، منفی ۰.۲ واحد درصد گزارش شده است.

خدمات: تنها موتور محرک رشد اقتصادی

بخش خدمات با ثبت رشد ۳.۴ درصدی، تنها عامل مثبت در ترکیب رشد اقتصادی فروردین بوده است. زیربخش‌هایی مانند «خرده‌فروشی و عمده‌فروشی»، «اداره امور عمومی، دفاع و خدمات اجتماعی» و «املاک و مستغلات» از جمله حوزه‌هایی بوده که رشد مثبت ثبت کرده‌اند. این گروه بزرگ‌ترین نقش مثبت را در رشد اقتصادی فروردین با سهم ۱.۷۲ واحد درصد ایفا کرده است.

براساس داده‌های بانک مرکزی در پاییز ۱۴۰۳، رشد تولید ناخالص داخلی با نفت ۳.۹ درصد و بدون نفت ۳.۶ درصد بوده است. همچنین در فروردین ۱۴۰۴، کاهش رشد در اغلب بخش‌ها نسبت به پاییز مشهود است، جز خدمات که همچنان روند مثبتی دارد.